انترناسیونال ۷۱۳

**انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم**

**مصاحبه با حمید تقوائی**

***انترناسیونال:*** *حزب همیشه ازانتخابات در جمهوری اسلامی با صفاتی مثل مضحکه یاد میکند و از مردم دعوت میکند نه تنها شرکت نکنند بلکه تلاش کنند انتخابات رابه ضد خود تبدیل کنند، اعتراضاتشان را گسترش دهند و غیره. حتما بخش مهمی از آن۱۵ میلیون نفری که شرکت نکردند به کل انتخابات و نظام اعتراض داشتند. اما آنهایی که شرکت کردند چه؟ معنای سیاسی آن چیست؟ آیا آنها بازیچه یک معرکه حکومتی شدند؟*

**حمید تقوائی:** به نظر من شرکت مردم در انتخابات به معنی تائید و حتی تمکین جامعه به حکومت نیست. توده مردم در هر فرصتی که شرایط و توازن قوا به آنان اجازه داده است با تظاهرات و اعتراضات خود رای به سرنگونی حکومت داده اند. از اعتراضات وسیع کارگران و دانشجویان و مردم کردستان در سالهای اول بقدرت رسیدن حکومت تا ۱۸ تیر ۷۸ و قیامهای شهری و تظاهراتهای ضد رژیمی متعدد در تهران و سایر شهرها و بالاخره خیزش میلیونی سال ۸۸، همه نشاندهنده گرایش و خواست قوی سرنگونی طلبانه در میان توده مردم است. حتی مبارزات عرصه ای با مطالبات معینی نظیر رفع تبعیض و آپارتاید جنسیتی، آزادی زندانی سیاسی، لغو مجازات اعدام، دفاع از سکولاریسم و حقوق و قوانین مدنی و غیره نفس موجودیت جمهوری اسلامی را بچالش میکشد و همه، هم فعالین این عرصه ها و کل جامعه و هم حکومتی ها، بخوبی میدانند که این اعتراضات در کنه خود سیاسی و ضد رژیمی است. "انتخابات" در چنین جامعه ای صورت میگیرد و دقیقا به همین دلیل این باصطلاح انتخاباتها به همه چیز شبیه است بجز انتخابات. دقیقا بخاطر این گرایش وسیع جامعه به خلاصی از شر جمهوری اسلامی است که آزادیهای سیاسی و مدنی پایمال میشود، کاندید شدن زنان رسما و قانونا ممنوع است، چهره ها و احزاب و نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه نه تنها حق شرکت در انتخابات بلکه حق حیات ندارند، و حتی خودی ترین کاندیداهای حکومت باید از غربال ولی فقیه و شورای نگهبان و غیره بگذرند تا بتوانند در این بازی شرکت کنند.

آنچه در جمهوری اسلامی انتخابات نامیده میشود صرفا هراس رژیم از دخالتگری واقعی یک جامعه معترض و ضد وضع موجود و کل نظام اسلامی را نشان میدهد. اما مردم بازیچه این معرکه نشده اند. نه تنها عدم شرکت بخشی وسیعی از جامعه - بنا به آمار دستکاری شده و غیر قابل اتکای حکومت بالغ بر ۱۵ میلیون - بلکه حتی بخش اعظم مردمی که در انتخاباتها شرکت میکنند میخواهند از انتخابات نیز برای تضعیف بیشتر حکومت و به عقب راندن آن استفاده کنند.

به همین دلیل است که هرگاه حکومت قادر به تقلب نبوده است - مانند انتخابات دوره خاتمی، انتخابات مجلس در سال ۹۴ و ریاست جمهوری در دو دوره اخیر- کاندیداهای مورد حمایت خامنه ای رای نمی آورند. برای نشان دادن مشارکت وسیع مردم آمار را بالا میبرند ولی نمیتوانند نسبت آرا و نتیجه را تغییر بدهند چون انسجام و یکپارچگی لازم برای این بند و بست و توافق را ندارند. آخرین تلاششان در این جهت در سال ۸۸ از صندوق بیرون آوردن احمدی نژاد بود که پیامدهایش به یک کابوس همیشگی حکومتی ها تبدیل شده است. بعبارت دیگر ناتوانی حکومت در تقلب نیز خود نتیجه مستقیم نارضائی وسیع مردم و شرایط قابل انفجار در جامعه است. همانطور که در اطلاعیه حزب گفته شده است پیشرو ترین بخش جامعه در مضحکه انتخابات شرکت نمیکند ولی اکثریت آن بخشی هم که شرکت میکند خواست و هدفش نه گفتن به جناح اصولگرا و خامنه ای بعنوان رهبر و مظهر نظام جمهوری اسلامی است. آن بخش جامعه که منافع مستقیمی در حفظ حکومت دارد (آیت الله های میلیاردر و آقازاده ها و وابستگانشان، مقامات حکومتی و نمایندگان مجلس و رده های بالای دولت، باندهای مافیائی پروار شده در موقوفات و امامزداه ها و کلا صنعت مذهب، نیروهای بسیج و سپاه، سرمایه دارانی که از قبل این حکومت پولشان از پارو بالا میرود و امثالهم) به ولی فقیه و کاندید مورد حمایتش رای میدهند. بخشی نیز بخاطر توهم به وعده های پوپولیستی اصولگراها در دفاع از محرومان و وعده هائی نظیرسه برابر کردن یارانه ها و غیره به اصولگرایان رای میدهند. کلا میتوان گفت رای به کاندید خامنه ای رای تائید و یا توهم به جمهوری اسلامی است (بهمین دلیل هم اصولگرایان در انتخاباتهایی که امکان تقلب نداشته باشند، بازنده هستند). ولی رای مردم به جناح مقابل نه در حمایت از حکومت است و نه حتی بخاطر توهم به اصلاح طلبان. بلکه رای سلبی به خامنه ای و کاندیدای مورد حمایت اوست.

***انترناسیونال:*** *بی بی سی نتیجه گرفته است که انتخاب روحانی نشان داد مردم دنبال انقلاب و آشوب نیستند. مردم میخواهند وضع موجود را حفظ کنند و در چهارچوب آن به طور تدریجی تغییراتی بوجود بیاورند. این ادعا تا چه حد نقش و خواست مردم در این انتخابات را منعکس میکند؟*

**حمید تقوائی:** به نظر من این ادعای پوچی است که بیشتر تلاش ارتجاعی رسانه هائی نظیر بی بی سی برای حفظ جمهوری اسلامی را منعکس میکند تا شرایط واقعی سیاسی در ایران را.

نه امروز بلکه در چهار سال قبل نیز رای به روحانی بخاطر توهم مردم به خط استحاله و رویگردانیشان از انقلاب نبود. در آن دوره نزدیکی جلیلی و دیگر کاندیداهای اصولگرا به رهبر و خط او نقش بسیار تعیین کننده تری ایفا کرد. امروز پس از تجربه چهار سال حکومت روحانی خط تغییرات تدریجی بسیار بیشتر از گذشته رسوا شده است. امروز حتی متوهم ترین افراد نیز به این واقعیت پی برده اند که از روحانی و دولتش آبی گرم نمیشود. در این دوره نیز بخش اعظم رای مردم به روحانی، رای نه به رئیسی کاندید مورد حمایت رهبر نظام بود.

کلا به نظر من جامعه با شناخت عمومی که از زمان خاتمی تا امروز از اصلاح طلبان و خط استحاله پیدا کرده است، جایگاه و نقش سیاسی و ارزش مصرف این خط را در کشمکش و مقابله با خط خامنه ای - اصولگرایان می داند و نه وعده وعیدهای اصلاح طلبانه آنان.

بر خلاف نظر بی بی سی و دیگر رسانه های پرورژیمی، قبل از هر چیز نفس بی معنی و مضحکه بودن انتخابات در جمهوری اسلامی بیانگر و بازتاب یک گرایش قوی و وسیع سرنگونی طلبانه در جامعه است. به هر کس که حتی بخشی از خواستهای برحق و انسانی توده مردم را نمایندگی میکند اجازه کاندید شدن نمیدهند چون میدانند نظامشان فروخواهد ریخت. با اینهمه حتی در خود پروسه مضحکه انتخابات حکومتی نیز گرایش به مقابله با حکومت را میتوان مشاهده کرد. بخش اعظم مردمی که در انتخاباتها شرکت میکنند میخواهند از این فرصت نیز برای تضعیف بیشتر حکومت و به عقب راندن آن استفاده کنند.

حزب ما بعد از دوه اول انتخابات خاتمی اعلام کرد: "مردم به خاتمى راى دادند چون قصد از ميان بردن اين رژيم را دارند و خاتمى و قدرت گيرى جناح مدافع او را ابزارى مى دانند که مى تواند فروپاشى رژيم اسلامى را تسهيل و تسريع کند." از اطلاعیه دفتر سیاسی، خرداد ۱۳۷۶. امروز بعد از تجربه ۸۸ و با توجه به قطبی شدن بیش از پیش جامعه و تشدید تقابل میان توده مردم زیر خط فقر و میلیاردرهای حکومتی، گسترش اعتراضات و مبارزات توده مردم و رسوائی ها و اعترافات و خود افشگریهای حکومتی ها تحت فشار این مبارزات، این ارزیابی و تبیین از دلایل شرکت مردم در انتخابات بیش از همیشه صادق است. مردم هم میخواهند با خط و جناح ولی فقیه مقابله کنند و هم با شدت بخشیدن به کشمکش میان دارو دسته های حکومتی دخالت اسلام و قوانین اسلامی در زندگی هر روزه شان را یک میلیمتر هم شده به عقب برانند. همانطور که مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها به معنی رضایت دادن آنها به حاکمیت سرمایه و سیستم کارمزدی نیست، و یا مبارزه زنان برای لغو حجاب و شکستن آپارتاید جنسی و کلا مبارزه برای حقوق و آزادیهای مدنی بخشهای مختلف جامعه به این معنی نیست که نظام موجود را پذیرفته اند، رای مردم به جناح مقابل خامنه ای نیز به این معنی نیست که از سرنگونی دست کشیده اند. در ۸۸ دیدیم که چطور توده مردمی که به احمدی نژاد و خامنه ای رای منفی داده بودند با شعار مرگ بر دیکتاتور و کل نظام نشانه است به خیابانها ریختند. مردم از انتخاباتهای حکومتی نیز بعنوان فرصتی برای اعلام مخالفت با جمهوری اسلامی استفاده میکنند.

در انتخابات اخیر بنا به آمار خود حکومت بیش از ۱۵ میلیون نفر شرکت نکردند. ولی بخش اعظم آنانی که شرکت کردند نیز رای نه به خامنه ای و به کل نظامی که او رهبر و مظهر و نماد آنست را به صندوقها ریختند.

***انترناسیونال:*** *آیا انتخاب روحانی با توجه به وعده هایی که داده است گشایشی در وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت؟*

حمید تقوائی: تجربه چهار سال حکومت روحانی باید به همه نشان داده باشد که گشایشی در کار نیست. ازامامزاده برجام معجزه ای سر نزد و وعده جلب سرمایه ها و براه اندازی چرخ زنگ زده اقتصاد بجائی نرسید. و درنتیجه بحران و فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی و مصائب آن نظیر فقر و بیکاری و گرانی و نا ایمنی محیط های کار و دستمزدهای یک چهارم زیر خط فقر و غیره نه تنها تخفیفی نیافت بلکه شدید تر و گسترده تر شد. ما همیشه تاکید کرده ایم که از نظر اقتصادی معضل حکومت بی ثباتی سیاسی و اجتماعی او و شکل گرفتن یک اقتصاد مافیائی غارت و دزدی و چپاول است که از بیت رهبری تا همه باندهای حکومتی در آن دخیل و ذینفع هستند. درماندگی اقتصادی حکومت همزاد او و یک جزء نهادینه شده و ساختاری نظام جمهوری اسلامی است که تنها با نابودی این نظام میتواند حل و فصل بشود.

از نظر سیاسی و اجتماعی نیز در این دوره در به همان پاشنه سالهای گذشته خواهد چرخید. اعدامهای رکورد شکن، دستگیری و بازداشت فعالین جنبشهای اعتراضی، سانسور و سرکوب عقاید و مطبوعات و مدیای اجتماعی، بی حقوقی مفرط زنان، سرکوب منسوبین به ملیتها و مذاهب دیگر و غیره و غیره، همه اینها همچنان ادامه خواهد یافت. جامعه خواهان نفی همه این مصائب است و سیاست گشایش سیاسی و اقتصادی و تعامل و تعادل دولت روحانی حتی در حرف و ادعا هم هیچ ربطی به این خواستهای پایه ای مردم ندارد. بازگشایی اقتصادی و جلب سرمایه گذاریها حتی اگر عملی بشود در وضعیت معیشتی و زندگی کارگران و توده مردم تغییری نخواهد داد.

**انترناسیونال:** بعد از انتخاب روحانی اصلاح طلبان و رسانه ها و نیروهای طرفدار روحانی ادعا میکنند مردم طرفدار تغییرات تدریجی هستند و سرنگونی طلبی و نیروهای سرنگونی طلب پایگاهی در جامعه ندارند. در این مورد چه فکر میکنید؟

**حمید تقوائی:** این بسط مضحکه و کمدی انتخابات به شرایط بعد از انتخابات است. از شرکت نه تنها احزاب چپ و انقلابی و سرنگونی طلب، بلکه هر نیروئی که ذره ای از خواستها و آمال انسانی مردم را نمایندگی کند جلو گیری میکنند، لیستی از سرسپرده ترین مقامات حکومتی که حتی شاه بیت مناظره های انتخاباتیشان اعتراف و افشای دزدیها و جنایت یکدیگر است را در برابرمردم میگذارند، ولی فقیه شان فراخوان میدهد که حتی اگر مخالف نظام هستید در انتخابات شرکت کنید، و بعد ادعا میکنند نتیجه این بازی مسخره نشاندهنده رضایت دادن مردم به حکومت است! وقاحت هم حدی دارد. باید از این شارلاتانها پرسید اگر یک کاندید چپ، و یا طرفدار سکولاریسم و جامعه مدنی و حتی کسی که بوئی از آزادیخواهی برده باشد در انتخابات شما شرکت میکرد آیا روحانی و یا هر کاندید حکومتی کمترین شانسی برای انتخاب میداشت؟ نه تنها "نتیجه انتخابات" بلکه همانطور که بالاتر اشاره کردم حتی نفس پوشالی و مضحکه بودن آن بازتاب وجود یک گرایش قوی سرنگونی طلبانه در جامعه است.

ما برای جمع کردن بساط ارتجاع اسلامی و خلع ید از حکومت سرمایه داری اسلامیزه شده  *بقدرت انقلاب* می جنگیم ولی در هر انتخابات آزاد هم ما برنده خواهیم بود. مردم در یک انتخابات آزاد نیروهای چپ و سکولار و آزادیخواه را انتخاب خواهند کرد. این را استحاله چی ها و اصولگراها و کل دار و دسته های حکومتی به خوبی میدانند و بهمین دلیل میدان انتخاباتشان از محدوده خودی ترین سرسپردگان نظام اسلامی فراتر نمی رود.

**انترناسیونال:** برخی از اشخاص و سازمانهایی که خود را اپوزیسیون میدانند فعالانه مردم را دعوت میکردند پای صندوقهای رای بروند. گفتند انتخابات امکانی برای تمرین دمکراسی است. امکانی برای تغییر وضعیت است. کلا نقش این اپوزیسیون در کشمکش سیاسی میان مردم و حکومت چیست؟

**حمید تقوائی:** حساب این نیروها از مردمی که به هر دلیل در انتخابات شرکت میکنند جداست. مردم ممکن است بدلایل مختلفی که بالاتر اشاره کردم، بخاطر مقابله با خامنه ای، تضعیف کل حکومت، دامن زدن به اختلافات درون حکومتی، و بخشی هم بخاطر توهم به این یا آن جناح حکومتی در انتخابات شرکت کنند اما دفاع یک حزب و یا نیروی سیاسی و حتی یک شخصیت سرشناس هنری و ورزشی از انتخابات و فراخواندن مردم به شرکت در آن خاک پاشیدن به چشم مردم است. هدف و نیت این نیروها، بر خلاف گرایش عمومی توده مردم، حفظ جمهوری اسلامی و مشروعیت بخشیدن به آن است. میدانند مردم از این حکومت متنفرند و بهمین خاطر تلاش میکنند با بیرق اصلاح طلبی و تغییرات تدریجی و انتخاب بین بد و بد تر مردم را بپای صندوق رای بکشانند.

اولین شرط آزادیخواهی و دفاع از منافع توده مردم افشای مضحکه انتخاباتی رژیم است. اولین درس "تمرین دموکراسی" تاکید بر این واقعیت است که در جامعه ای که آزادیهای سیاسی و مدنی وجود خارجی ندارد انتخابات بی معنی است. تاکید بر این است که آنچه جمهوری اسلامی انتخابات مینامد حتی برمبنای ابتدائی ترین موازین دموکراسی ربطی به رای و اراده و خواست مردم ندارد. موضعگیریهای نیروهای باصطلاح اپوزیسیون پرو انتخابات را باید به حساب همراهی و همدستی انها با ارتجاع اسلامی حاکم گذاشت و نه دموکراسی پناهی شان. نقش این نیروها درانتخاباتها و کلا در هر رویداد و برآمد سیاسی در جامعه مشاطه گری نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از تعرض مردم به کل حکومت است. این نیروها در جدال هر روزه بین مردم و جمهوری اسلامی نه حتی در خط میانه، بلکه تماما در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرند و در خدمت حفظ و بقای آن عمل میکنند.

**انترناسیونال:** تقابل جناحها که در دوره انتخابات به اوج رسید چه تاثیراتی در وضعیت رژیم خواهد داشت؟

**حمید تقوایی:** یکی از پیامدهای انتخابات تشدید دعواها و کشمکشهای جناحی خواهد بود. آنچه در ایران "کارزار انتخاباتی" نامیده میشود در واقع کشمکش بین جناحهای حکومتی بر سر سهم بیشتر در قدرت و ثروت است. این کشمکش ناشی از عدم توازن بین قدرت واقعی و رسمی در میان جناحهای حکومتی است که نهایتا در قطبندی و تقابل میان توده مردم با کل حکومت ریشه دارد.

از یکسو نهادهای اصلی قدرت، بسیج و سپاه و نیروهای سرکوبگر و قوه قضائیه و زندانها و چهل درصد اقتصاد جامعه و سیاست خارجی تماما در دست ولی فقیه و اصولگرایان است و از سوی دیگر بخاطر منفور بودن کل حکومت و خامنه ای و جناح طرفدارش بعنوان خط مسلط و مظهر و نماد جمهوری اسلامی، این جناح نمیتواند در انتخاباتها به ریاست جمهوری برسد و حتی در شوراهای محلی و مجلس اسلامی اکثریت داشته باشد. این تناقض پایه ای خود را به شکل کشاکش دائمی و رشد یابنده میان جناحهای حکومتی نشان میدهد. این تناقض از دوره بنی صدر تا کنون وجود داشته و در هر دوره شدید تر و عمیق تر شده است. امروز همه، از مردم و مفسرین و ناظرین سیاسی تا خود حکومتی ها، میدانند که بدون تقلب خط خامنه ای شانسی در انتخاباتها ندارد. حتی بعضی از ناظرین سیاسی به این نتیجه رسیده اند که خامنه ای صرفا برای گرم کردن بازار انتخابات مستقیما و یا تلویجا از کاندید اصولگرایان حمایت میکند تا مردم برای رای دادن به کاندید جناح مقابل پای صندوقها بروند. بعبارت دیگر به نقش منفی و سلبی خود واقف است و عامدانه این نقش را ایفا میکند. این نوعی تئوری توطئه است که نمیتواند اعتبار چندانی داشته باشد ولی حتی اگر چنین باشد این نقشی است که به خامنه ای و طرفدارانش تحمیل شده است. ممکن است خامنه ای و نهادها و باندهای وابسته به او در هراس از خیزش توده ای و انفجار جامعه - که مدام با عنوان "فتنه بزرگ" از آن یاد میکنند- ناگزیر شده باشند به نقش کاراکتر منفی در سناریوهای انتخاباتی رضایت بدهند، اما بخوبی میدانند حتی گفتمان اصلاحات و تعامل و تعادل با غرب و غیره در دست مردم به ابزاری برای تعرض بیشتر و چالش کل نظام تبدیل میشود. میدانند شکست بعد از شکست "خط رهبری" در انتخاباتها روند "خطرناکی" است که به تعرض گسترده تر مردم و نهایتا بقول خوشان به از دست رفتن "کیان اسلام" منجر خواهد شد. رژیم راه حلی برای این بحران مزمن ندارد. این تناقض همزاد جمهوری اسلامی است و تنها با سرنگونی آن حل خواهد شد. کشمکش بین خط ایدئولوژیک و هویتی حکومت و خط استحاله همواره زمینه و بستری برای تعرض جامعه علیه کل حکومت بوده است و در این دوره نیز بی گمان شاهد رشد و گسترش این تعرض خواهیم بود.

**انترناسیونال:** انتخابات در جمهوری اسلامی در استراتژی سیاسی حزب کمونیست کارگری چه جایگاهی دارد؟

**حمید تقوایی:** ما یک حزب کمونیست انقلابی و سرنگون طلب هستیم. انتخابات حتی اگر مضحکه هم نبود نمیتوانست جایگاه مهمی در استراتژی ما داشته باشد. در انتخاباتها حتی در کشورهای غربی و به اصطلاح مهد دمکراسی چهارچوب نظام سرمایه داری فرض گرفته میشود. استثمار و کارمزدی و تبعیض طبقاتی فرض گرفته میشود و در این چهارچوب احزاب به مبارزه انتخاباتی میپردازند. اما امر ما نابودی نظام ضد انسانی سرمایه داری است. ما معتقدیم جمهوری اسلامی وحشی ترین و هار ترین دیکتاتوری سرمایه داری در تاریخ معاصر ایران است و میتواند و باید آخرین آن باشد. هدف استراتژیک ما خلع ید سیاسی و اقتصادی از مفتخوران و یک در صدیهای سرمایه دار- با عمامه و یا بدون عمامه- است و هر موضعگیری و تاکتیک و کارزار مشخص ما در این جهت و در خدمت این هدف است. حتی به اصطلاح انتخاباتهای جمهوری اسلامی برای ما فرصت و امکانی برای تقویت جنبش سرنگونی طلبی و تعرض به کل نظام موجود است. ما در انتخاباتهای حکومتی اولا بر این حقیقت تاکید میکنیم که در نظامی که کوچکترین آزادیهای سیاسی و مدنی نفی میشود انتخابات بی معنی است و مردم را نه تنها از شرکت در این معرکه باز میداریم بلکه تلاش میکنیم و مردم را فرامیخوانیم که از شرایط و فضای انتخاباتی برای تعرض گسترده تر به حکومت استفاده کنند. ثانیا به این گفتمان دامن میزنیم که راه رهائی از شر جمهوری اسلامی و مصائبی که بجامعه تحمیل کرده و حتی راه بعقب راندن حکومت در برابر خواستها بر حق و انسانی مردم نه خط استحاله و تغییرات تدریجی بلکه بچالش کشیدن کل حکومت است و ثالثا افق سرنگونی بقدرت انقلاب و خیزش توده ای مردم را در چشم انداز جامعه قرار میدهیم و فعالین و جنبشهای اجتماعی را به مقابله به کل حکومت و جناحهایش فرا میخوانیم. شعار محوری ما در انتخابات اخیر این بود که "انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است". این شعار بیانگر یک حقیقت پایه ای در مورد نه تنها معرکه های انتخاباتی بلکه کل تحرکات و مبارزات اجتماعی در جامعه ایران است. این شعار در عین حال بیانگر عزم و اراده حزب ما است برای نمایندگی کردن گرایش و جنبش سرنگونی طلبانه در ایران، سرنگونی جهموری اسلامی بقدرت انقلابی مردم و رهائی از سلطه حاکمیت سرمایه در ایران.